

فعالیت اجتماعی زنان در آرای مفسرین فریقین با

استناد به آیات ۳۳ احزاب و ۲۴ نساء

محمدهادی مفتاح^۱

سحر یوسفی^۲

چکیده

فعالیت اجتماعی زنان از جمله مسائلی است که دستیابی به دیدگاه قرآن درباره آن بسیار حائز اهمیت است. به طوری که عمل به فرامین الهی، می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی گردد؛ هر چند آیات ۳۳ احزاب و ۲۴ نساء در ظاهر با فعالیت اجتماعی زنان منافات دارد؛ در این پژوهش، با بررسی آرای فریقین ذیل این آیات و بیان دیدگاه هر کدام از این مکاتب، خط مشی قرآن راجع به این مسأله آشکارا ترسیم می‌شود. هر چند در این بین مفسرین شیعه و سنی با هم اختلاف نظرهایی دارند، اما در نهایت معلوم می‌گردد که آیات فوق نه تنها با حضور اجتماعی زنان منافات نداشته است، بلکه با یک دیدگاه متعادل و به دور از افراط و تفریط کیفیت حضور زن در اجتماع را به روشنی بیان می‌دارد و حضور زنان در جامعه را در صورتی که بر طبق چارچوب مشخص شده باشد، تایید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فعالیت اجتماعی زنان، تبرج، قوامیت مردان، قرآن، فریقین.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

مقدمه

فعالیت اجتماعی زنان از مسائل مهم جامعه امروز به شمار می‌رود، حضور اجتماعی زنان و اشتغال آنان در منصب‌های گوناگون در کنار اینکه می‌تواند مفید و اثر بخش باشد اما اگر در چارچوب خاصی قرار نگیرد، قطعاً مضر و مخرب خواهد بود.

قرآن کریم به عنوان کتاب راهنمای هدایت بشر، در آیاتی نظیر: (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ) (احزاب/۳۳)؛ و (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ) (نسا/۳۴)؛ خطاب به گروه زنان حضور اجتماعی آنان را منع کرده و مردان را برتر از زنان معرفی می‌کند. که قطعاً بررسی این مساله از آن جهت که چگونه حضور اجتماعی زنان با آیات مذکور قابل جمع است؛ حائز اهمیت می‌باشد.

بنابراین پژوهش حاضر با بهره‌گیری از تفاسیر معتبر فریقین مساله مورد نظر را بررسی کرده و ضمن بیان دیدگاه آنان ذیل آیات مورد بحث، به بیان اشتراکات و افتراقات دو گروه می‌پردازد و در نهایت راجع به حضور و یا عدم حضور زنان گفتگو می‌کند. هر چند بدون شک راجع به این مساله پژوهش‌هایی صورت گرفته است و نویسندگان زیادی از جمله پایان‌نامه ارشد خانم ماجده آساره با عنوان «بررسی فعالیت اجتماعی زنان از دیدگاه قرآن مجید و سنت شریف» و مقاله آقای صادق اردستانی با عنوان «مسئولیت‌های اجتماعی زن در کتاب و سنت» ذیل این مساله به تبادل نظر پرداخته‌اند و این پژوهش

فعالیت اجتماعی زنان در آرای مفسرین فریقین با استناد به آیات ۳۳ احزاب و ۲۴ نساء

اشتراکاتی با پژوهش‌های قبلی دارد اما پژوهش حاضر با رویکردی نو و با نگاه تفسیر تطبیقی حول محور دو آیه ۳۳ احزاب و ۲۴ بقره غرض خداوند را مورد بررسی قرار داده و کیفیت حضور زنان در اجتماع را بیان می‌دارد.

دیدگاه مفسرین امامیه

۱. (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ)؛ «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید». (احزاب/۳۳)

مفسرین متقدم شیعه راجع به فعالیت اجتماعی زنان ذیل این آیه به مطلب قابل توجهی اشاره نکرده‌اند. (طوسی، ۱۴۳۱: ج ۸، ص ۳۳۹/ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۱۵، ص ۴۱۵/ قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۱۹۳/ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ج ۳، ص ۴۸۸) ناگزیر به بیان دیدگاه مفسرینی که حول این موضوع بحث کرده‌اند، پرداخته می‌شود.

در این آیه خداوند به زنان پیغمبر (ص) امر می‌کند که در خانه‌های خود قرار بگیرند و مانند زنان جاهلی تبرج نکنند. بعضی از مفسرین شیعه ذیل این آیه بیان کرده‌اند که این حکم صرفاً مربوط به زنان پیغمبر (ص) نیست، بلکه حکمی عمومی برای همه زنان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۷، ص ۲۹۰/ قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۷، ص ۳۶۰)

جوادی آملی در همین راستا به اهمیت نقش مادران در تربیت فرزندان اشاره کرده و بخش مهمی از فساد در غرب را همین مساله می‌داند و در ادامه متذکر شده که خداوند سبحانه به زنان فرمان می‌دهد در خانه حضور فعال داشته باشند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۱، ص ۲۸۱) وی همچنین در جای دیگر به این مساله که این آیه هشدار است برای حوادث آینده مثل واقعه جنگ جمل و خروج عایشه، اشاره کرده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۰، ص ۴۹)

به طور کلی مفسرین امامیه خروج از منزل و فعالیت اجتماعی برای زنان را جایز دانسته‌اند، البته مشروط به اینکه به دور از هرگونه تبرج باشد. قَرْنَ... لَا تَبَرَّجْنَ (قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۷، ص ۳۶۳)

۲. (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ)؛ «مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند». (نسا/ ۳۴)

خداوند در این آیه مردان را بر زنان قیم می‌داند. بعضی از مفسرین شیعه ذیل این آیه بیان کرده‌اند که قیومیت مردان نسبت به زنان صرفاً منحصر به زن و شوهر نیست، بلکه یک حکم عام را در برمی‌گیرد که اشاره به جنس زن و مرد دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۴، ص ۳۴۳/قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۶۱)

از طرفی جوادی آملی در تفسیر تسنیم، این آیه را مطلقاً مربوط به زن و مرد ندانسته و معتقد است که با توجه به قرائن داخلی و خارجی، این آیه برای بیان احکام زن و شوهر است. اما در ادامه، به بیان این نکته که این آیه تعلیل آن عمومیت دارد و رهبری جامعه را نیز در بر می‌گیرد، تصریح کرده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۸، صص ۵۵۴-۵۵۰)

مفسرین امامیه در بیان تفاوت‌های زن و مرد معتقدند که مردان فطرتاً قوه تعقل بالاتری نسبت به زنان دارند و توانایی آنان برای انجام امور دشوار بیشتر است. از طرفی زنان هم نسبت به مردان دارای احساسات و عواطف بالاتری هستند، به علاوه تعهد مردان در برابر زنان و فرزندان نسبت به پرداختن هزینه‌های زندگی، و پرداخت مهر و تامین زندگی آبرومندانانه همسر و فرزند، این حق را به آنان می‌دهد که وظیفه سرپرستی را عهده‌دار شوند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۴، ص ۳۴۳/مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۳۷۰/طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۶۹)

البته ممکن است زنانی در جهات فوق بر شوهران خود امتیاز داشته باشند؛ اما این قوانین به تک تک افراد و نفرات نظر ندارد بلکه نوع و کلی را در نظر می‌گیرد، و شکی نیست که از نظر کلی، مردان نسبت به زنان برای این کار آمادگی بیشتری دارند، اگر چه زنان نیز وظائفی می‌توانند به عهده بگیرند که اهمیت آن مورد تردید نیست. (مکارم

شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۳۷۰/قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۶۱)

بنابراین با توجه به تفاوتی که به طور کلی در دو جنس مرد و زن وجود دارد، قطعاً مردان در انجام اموری مانند حکومت و قضاوت مناسب‌تر هستند، چرا که این دو امر به

فعالیت اجتماعی زنان در آرای مفسرین فریقین با استناد به آیات ۳۳ احزاب و ۲۴ نساء

قدرت تعقل و توانایی جسمی بالاتری نیازمند است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۴، ص ۳۴۳ / جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۸، ص ۵۵۲)

طباطبایی در تفسیر المیزان ضمن بیان مطالب فوق، به اهمیت توجه به استقلال و آزادی زنان نیز تصریح کرده است. به عقیده وی، قیومت صنف مردان بر صنف زنان در مجتمع بشری تنها مربوط می‌شود به جهات عامه‌ای که زنان و مردان هر دو در آن جهات شریکند، و چون جهاتی است که نیازمند به تعقل بیشتر و نیروی زیادتر است که در مردان وجود دارد، یعنی امثال حکومت و قضا و جنگ بدون این که استقلال زن در اراده شخص و عمل فردی او خدشه‌ای بخورد، و بدون این که مرد حق داشته باشد اعتراض کند که تو چرا فلان چیز را دوست می‌داری و یا فلان کار را می‌کنی، مگر آن که زن کار زشت را دوست بدارد، یا مرتکب شود، همانطور که خداوند هم در قرآن کریم بدان اشاره کرده است: (فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (بقره / ۲۴۰)؛ همچنین قیومت مرد بر زنش به این نیست که سلب آزادی از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است بکند؛ و معنای قیومت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او و دفاع از منافعش را سلب کند، پس زن هم چنان استقلال و آزادی خود را دارد، هم می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند، و هم می‌تواند از آن دفاع نماید و هم می‌تواند برای رسیدن به این هدف هایش، به مقدماتی که او را به هدف هایش می‌رساند متوسل شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۴، ص ۳۴۴)

بنابراین، حضور در جامعه و تصدی بعضی مناصب اجتماعی و مدیریت بخشی از حیات فرهنگی یک ملت که در آن فقط دختران و بانوان حضور دارند و باید از مسائل ضروری آگاه گردند و به بالندگی علمی بار یابند و مانند آن، نه تنها روا بلکه لازم است؛ زیرا شئون یاد شده همانند جنگ آوری و کارزار، صحنه پیکار نیست تا مخصوص مردان باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۸، ص ۵۷۵)

همانطور که در سنت رسول خدا (ص) نیز مشاهده می‌شود؛ ایشان به هیچ زنی منصب قضا نداده و زنان را برای جنگیدن دعوت نکرده‌اند؛ اما حضور و شرکت زنان در جهاد برای انجام اموری مثل خدمت و جراحی و امثال آن در سنت رسول اکرم (ص) بلا مانع بوده

است؛ همچنین حضور اجتماعی آنان در صحنه تعلیم و تعلم، و کسب، و پرستاری بیماران، و مداوای آنان، و امثال این گونه امور که دخالت عواطف، منافاتی با مفید بودن عمل ندارد، در سنت ایشان نه تنها منع نشده است، بلکه سیرت نبویه بسیاری از این کارها را امضا کرده است؛ اما باید توجه داشت که دامنه استقلال و آزادی زنان تا آنجایی گسترده است که به حق شوهر مزاحمت نداشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۴، ص ۳۴۷)

بنابراین، اگر به آرای مفسرین امامیه ذیل این آیات بنگریم متوجه خواهیم شد که آنان حضور اجتماعی زنان را منع نکرده‌اند؛ البته به شرطی که این حضور بدون تبرج و در کمال وقار باشد و به حق شوهر و فرزندان خللی وارد نکند.

دیدگاه مفسرین اهل سنت

۱. (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ)؛ «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید». (احزاب/۳۳)

اکثریت اهل سنت اشتغال زن را در خارج از منزل جایز ندانسته و فطرتا وظیفه زن را بارداری، شیردهی، تربیت فرزندان و پرداختن به کارهای خانه می‌دانند. (رشید رضا، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۶۹)؛ قرطبی در ذیل این آیه بیان کرده که این آیه هر چند خطاب به زنان پیغمبر (ص) است اما شامل زنان دیگر هم می‌شود و لازم است زنان فقط در مواقع ضروری از خانه خارج شوند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۴، ص ۱۸۱) این در حالی است که بعضی از این مفسرین مانند در خانه را واجبی برای زنان پیامبر (ص) و سبب کمالی برای سایر زنان می‌دانند. (ابن عاشور، ۱۴۲۱: ج ۲۱، ص ۲۴۲)

سیوطی در تفسیر خود ذیل این آیه به نقل از ترمذی، روایتی از پیغمبر (ص) را بیان کرده که در آن، خروج زنان را از خانه منع می‌کند: «ان المرأة عورة فإذا خرجت استشرفها الشيطان وأقرب ما تكون من رحمة ربها وهي في قعر بيتها». (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۱۹۶/ترمذی، بی تا: ج ۵، ص ۲۳/ ابن حنبل، ۱۴۲۱: ج ۹، ص ۳۳۷)

با توجه به این مساله که فعالیت و حضور زنان در اجتماع قطعاً میزان حضور آنان را در خانه کاهش می‌دهد؛ بنابراین، این مفسرین دیدگاه مثبتی نسبت به فعالیت اجتماعی زنان ندارند و مسئولیت آنان را رسیدگی به امور منزل می‌دانند.

فعالیت اجتماعی زنان در آرای مفسرین فریقین با استناد به آیات ۳۳ احزاب و ۲۴ نساء

علاوه بر مباحث گفته شده، ذکر این مسئله قابل توجه است که مفسرین اهل سنت، قیام عایشه را در جنگ جمل در راستای اصلاح امور مسلمین و خروج وی را، یک امر ضروری قلمداد کرده‌اند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۱، ص ۱۸۱/ ابن عاشور، ۱۴۲۱: ج ۲۱، ص ۲۴۴)؛ که قطعا این مسئله نیازمند بحث و بررسی بیشتر است که در این مجال نمی‌گنجد.

۲. (الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ)؛ «مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند». (نسا/ ۳۴)

مفسرین عامه در تفسیر این آیه معتقدند که مردان، در جایگاهی قرار دارند که در علم، عقل، اراده، انجام امور دشوار، تیراندازی و سوارکاری (قدرت جنگی)، و جهاد و... بر زنان برتری دارند. و انبیا و علما از گروه مردانند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۰۵/ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۰، ص ۷۰/ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۵، ص ۱۶۹)؛ در نتیجه حکم‌رانی و امیر بودن فقط شایسته مردان است. در ادامه به عقیده بعضی از این مفسرین، مردان نسبت به زنان قییم، حاکم، مجاز در تادیب و به طور کلی برتر و بهتر از آنان هستند. اما این مسئله را که مردان بر زنان حاکم باشند مجاز نمی‌دانند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۲۵۶/ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۰، ص ۱۸۵) آنان در تثبیت این عقیده به روایتی از پیغمبر (ص) اشاره کرده‌اند: «لَنْ يَفْلَحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمْرَهُمْ امْرَأَةٌ». هنگامی که به رسول اکرم (ص) خبر رسید که دختر کسرا پادشاه ایرانیان شده، فرمودند: «گروهی که زمام امور خویش را به دست زنی بسپارد رستگار نخواهد شد»؛ که این روایت در کتب معتبر حدیثی آنان نیز ذکر شده است. (بخاری، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۲۶۰۰/ نسائی، ۱۴۱۱: ج ۳، ص ۴۶۵/ ابن حنبل، ۱۴۲۱: ج ۳۴، ص ۱۲۰)

بنابراین، با توجه به اینکه گاهی فعالیت اجتماعی زنان در راستای اموری است که باعث می‌شود بر مردان تسلط یابند، در نتیجه بر طبق آرای این مفسرین این امر جایز نیست.

بررسی تطبیقی آرای مفسرین فریقین

مفسرین اهل سنت فعالیت اجتماعی زنان را با استناد به آیات (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ) و (الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ)؛ و پاره ای از روایات منع کرده‌اند. به عقیده آن‌ها زن باید در خانه به بارداری، شیردهی و تربیت فرزندان، بپردازد. این مفسرین آیه

(وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ) را، وجوبی برای عموم زنان دانسته‌اند؛ البته در این بین ابن عاشور و جوب ماندن در خانه را مختص زنان پیغمبر (ص) و سبب کمالی برای سایر زنان برشمرده است. ادله ای که از آیات و روایات دال بر عدم فعالیت اجتماعی زنان مورد استناد این مفسرین بوده، با رای آنان مبنی بر تایید حرکت عایشه و ورود او به جنگ جمل کاملاً منافات دارد. چراکه این گروه با استناد به آیات و روایات مذکور، از طرفی حضور اجتماعی زنان را منع کرده و از طرفی دیگر حضور عایشه در جنگ جمل را که حرکتی کاملاً مخالف با این آیات و روایات بوده، امری ضروری و در جهت اصلاح امور مسلمین بر شمرده اند.

در مقابل، مفسرین امامیه، حضور اجتماعی زنان را مشروط به رعایت شرایط و ضوابط منع نکرده و در بسیاری از موارد نه تنها روا بلکه لازم دانسته اند. این مفسرین آیه (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ)؛ را هشدار برای حوادث آینده دانسته اند؛ حادثی مانند خروج عایشه و شرکت او در جنگ جمل که خلاف سنت پیامبر (ص) و نص صریح آیات قرآن بوده است. مفسرین امامیه در ادامه ذیل این آیه، حضور اجتماعی زنان را در صورتی که با تبرج همراه نباشد و به حقوق شوهر و فرزندان خللی وارد نکند، منع نکرده اند؛ چرا که به عقیده آنان، قطعاً زنان دارای آزادی و استقلال بوده و جز در مواردی که کار ناصوابی انجام دهند، نباید آنان را از فعالیت اجتماعی منع کرد.

در مجموع با مطالعه آرای مفسرین فریقین و تلفیق بین دو آیه (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ) و (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ)؛ می توان چنین برداشت کرد که، آیه (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ)؛ در اصل خطاب به زنان پیغمبر (ص) بوده اما این حکم بنا بر مسائلی که در آینده رخ می دهد، قطعاً قابل تطبیق خواهد بود.

بنابراین حضور زنان در شرایطی که جاهلیت آن کم از جاهلیت عرب ندارد، اگر باعث فساد و بی بند و باری شود و فعالیت آنان، به کانون خانواده خللی وارد کند قطعاً این حرکت، مخالف نص صریح آیات قرآن بوده و اینجاست که خداوند متعال با آیه (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ)، مردان را بر زنان قیّم دانسته و حکم می کند که مرد باید در جایگاه فردی که توانایی بالاتر و قوه تعقل برتری دارد، این مسئله را کنترل کند و از ورود زن به مکان‌هایی که مفسده دارند، منع نماید. و زن هم نباید مسئولیت‌هایی را در اجتماع بپذیرد که باعث جابه‌جایی نقش‌ها در خانواده شده و آن را دچار بحران می کند.

پیشینه
تفسیر
قرآنی

فعالیت اجتماعی زنان در آرای مفسرین فریقین با استناد به آیات ۳۳ احزاب و ۲۴ نساء

افزون بر آن، از طرفی هم نباید استقلال و آزادی زن نادیده گرفته شود و زمانی که حضور زن در جامعه مفید بوده و فعالیت او سبب آشفستگی خانواده‌اش نمی‌شود، مرد نباید برای وی تصمیم‌گیری کند و او را مجبور و ملزم به کاری که خلاف میل و اراده زن هست، نماید. چرا که همانطور که گفته شد حضور زنان در جامعه در حالیکه در نهایت وقار و متانت باشد و به حق شوهر و فرزندان خللی وارد نکند، نه تنها روا بلکه جایز است؛ چون در بسیاری از محیط‌های فرهنگی، آموزشی و درمانی، تاثیری که ممکن است یک زن لحاظ کند، بسیار بالاتر از یک مرد باشد.

نتیجه‌گیری

با اهمیتی که فعالیت اجتماعی زنان، امروزه در جوامع بشری دارد، قطعاً پیام‌هایی که قرآن کریم به عنوان منبع هدایت به این گروه می‌دهد بسیار حائز اهمیت است؛ به طوریکه عمل به فرامین الهی می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل و مشکلات گردد.

به طور کلی مفسرین اهل سنت با استناد به آیات ۳۳ احزاب و ۳۴ نساء، و روایاتی که در سند آنان حاوی اشکالاتی است، مسئله فعالیت اجتماعی زنان را منع می‌کنند؛ از طرف دیگر مفسرین امامیه با استناد به همین آیات و آیات دیگر، فعالیت اجتماعی زنان را مشروط به اینکه در چارچوب قوانین الهی باشد منع نمی‌کنند. که این قوانین دقیقاً از آیات ۳۳ احزاب و ۳۴ نساء قابل برداشت است. از آیه (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ)؛ این مسئله قابل استناد است که اگر حضور زنان در اجتماع بدون تبرج و در کمال وقار و متانت باشد فعالیت وی در محیط‌های مختلف که از هر جهت سالم و مناسب باشد؛ مانعی ندارد. و از آیه (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ)؛ نیز این حکم به دست می‌آید که در صورتی که فعالیت آنان به حقوق شوهر خللی وارد نکند و قیومیت وی را زیر سوال نبرد؛ بلامانع است. البته این دو حکم لازم و ملزوم همدیگرند و زنان باید برای ورود به اجتماع، هر دو را در کنا هم دارا باشند.

بنابراین، این آیات به زیبایی، از یک طرف حضور اجتماعی زنان را تایید و از طرف دیگر افراط در مسائل مربوط به آنان را منع می‌کنند؛ و در نهایت تعادل، کیفیت حضور زنان در اجتماع را روشن می‌سازد.

دوفصلنامه دانشگاه قم: سال یکم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۲

فهرست منابع

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله: **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن حنبل، احمد: **مسند**؛ بیروت: الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر: **تفسیر القرآن العظیم**؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۴. ابن عاشور، محمد طاهر: **تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور**؛ بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۵. ابوالفتح رازی، حسین بن علی: **روض الجنان وروح الجنان فی التفسیر القرآن**؛ مشهد: آستان قدس، ۱۴۰۸ق.
۶. بخاری جعفی، محمد بن اسماعیل؛ **جامع الصحیح المختصر**؛ بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.
۷. ترمذی، محمد بن عیسی: **سنن ترمذی**؛ بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.
۸. جوادی آملی، عبدالله: **تفسیر تسنیم**؛ قم: اسراء، ۱۳۸۹ش.
۹. رضا، محمدرشید: **تفسیر المنار**؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۴ق.
۱۰. زمخشری، محمود بن عمر: **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل**؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر: **الدر المنثور فی التفسیر الماثور**؛ قم: کتابخانه ایت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین: **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ش.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن: **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن: **التبیان فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۱ق.
۱۵. فخر رازی، محمد بن عمر: **تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)**؛ بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۶. قرائتی، محسن: **تفسیر نور**؛ تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۸ش.
۱۷. قرطبی، محمد بن احمد: **جامع الاحکام القرآن**؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم: **تفسیر قمی**؛ قم: دارالکتب، ۱۳۶۳ش.
۱۹. مقاتل بن سلیمان: **تفسیر مقاتل بن سلیمان**؛ بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر: **تفسیر نمونه**؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۲۱. نسائی، احمد بن شعیب: **سنن نسائی**؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.